بمبئی

بواسطهٴ آقا میرزا محمود

مهتر ادالجی پیر وفا رندیلیا علیه بهآء اللّه الابهی

ای میر وفا در عالم وجود صفتی بهتر و خوشتر و شیرینتر از وفا نیست این منقبت از اعظم اساس دین الهی است اگر انسان از جمیع صفات حمیده محروم باشد ولی باین صفت قدسیّه موصوف عاقبت حائز جمیع کمالات می‌گردد و اگر چنانچه حائز جمیع صفات کمالیّه باشد و از صفت وفا بی‌بهره آن کمال جمیعاً بنقص مبدّل گردد و آن خیر بشر و آن نورانیّت بظلمت و آن عزّت بذّلت منتهی شود الحمد للّه تو پیر وفائی آرزوی من آنست که میر وفا گردی در این دور بدیع طائفهٴ پارسی چنان اقبال نمودند که حضرت زردشت روح العالمین له الفدآء در جهان آسمان شادمان گردید و فی ‌الحقیقه ملّت نجیبی هستند و همانست که مرقوم نمودی (كه فساد اخلاق غربی کم‌ کم در آنها سرایت کرده است) بعضی از فارسیان شیفتهٴ احوال و اطوار غربیان گشتند و نمی‌دانند که عالم اخلاق غربیان بسیار فاسد گردیده و برهان این جنگ مهیب بی‌امان که در هیچ عصری چنین پرخاشی رخ نداده لهذا دلیل قاطع بر سوء اخلاقست مگر نفوسیکه در سایهٴ سرو آسمانی انجمن شدند و بتعالیم حضرت بهاءالله گلزار و چمن گشتند این نفوس مبارکه تحصیل اخلاق نمایند و هر ملّتی بحسن اخلاق ترقّی بی‌پایان نماید و بسوء اخلاق هر ملّتی از ذروهٴ بالا به پستترین درجهٴ همجی هبوط کند باری اکثر پارسیان هنوز بخواب کابوسی مبتلا عنقریب بیدار گردند این معلوم است که طلوع آفتاب بعد از تاریکی شب است و تاریکی هولناک شرق و غرب را احاطه کرده اگر حضرت شاه بهرام در چنین بحران ظلمانی طلوع نفرماید در چه وقتی بدرخشد مژده‌هائیکه حضرت وخشور وخشوران وعده داده بودند جمیع تحقّق یافت هوشیدر مهبامی حضرت اعلی روحی له الفداست شاه بهرام حضرت بهاءالله و امّا من عبدالبهاء یعنی بندهٴ ناتوان حضرت بها جز این اسم و رسمی و نام و نشانی نخواهم هر دو در یک زمان بودند که از تاریکی عالم طبیعت نفوس منجذبه را نجات دادند زیرا عالم طبیعت عالم حیوان است ولی عالم انسانی جهان آسمانی حال ملاحظه فرما که انجمن بشر چگونه مانند حیوان در دریای طبیعت غرقند اثری از عالم انسانی نیست اهل عالم باید انصاف بدهند آیا بجز تعالیم بهاءالله که شعاع شمس حقیقت است بر این شب یلدا که در نهایت تاریکی است می‌تواند غلبه نماید و صبح روشن بتابد و جهان را گلشن نماید نه بخدا اگر اندک انصافی باشد شهادت می‌دهد که پرتو این خورشید جهانگیر است و شعاع این آفتاب عالم انسانرا روشن کند امّا عالم حیوان بی‌نهایت تاریک است درندگی است خونخواریست ظلم و بیداد است فسق و نادانیست منازعهٴ بقاست و معدن حرص و جفا و منبع طمع بیمنتها و عالم بشر از شب تاریکتر و از حیوان پست‌تر است جمیع فلاسفه اعتراف باین مدّعا می‌نمایند پس معلوم شد که عالم انسانی محتاج به یک طبیب ربّانی و مربّی آسمانی است جز قوّهٴ الهیّه مقاومت طبیعت نتواند باری همانست که مرقوم نمودی که این دورهٴ طلائی است که باید ظهور کند بتکرار مرقوم می‌شود شاه بهرام حضرت بهاءالله من بندهٴ او اینست تاج درخشندهٴ من اینست کوکب رخشندهٴ من ملاحظه فرما که جمیع دانایان شرق و غرب حتّی مادّیّون باختر اعتراف می‌نمایند که امروز نجاح و فلاح عالم انسانی بتعالیم حضرت بهاءالله است

 امّا سفر من بهندوستان این بتقدیر حضرت رحمن است نه بخواهش دیگران ولی هرچند من در فلسطینم ولی در هر نقطه‌ئی از نقاط عالم فریاد و انین می‌نمایم و ندا بظهور حقیقت می‌کنم و با یاران باوفا همدم و همرازم و هم‌نغمه و هم‌آواز تعالیم حضرت بهاءالله را از رسائل کلمات فردوس و اشراقات و تجلّیات و بشارات خواهید ادراک نمود باین رسائل مراجعت نمائید و در تعلیمات دقّت نمائید تا اقتباس نور حقیقت کنید از جملۀ تعالیم حضرت بهاءالله تحرّی حقیقت است و از جمله وحدت عالم انسانیست که جمیع خلق اغنام حق هستند و خدا شبان مهربان جمیع را خلق فرمود رزق داد تربیت فرمود پرورش داد پس یقین است بجمیع اغنام مهربانست این است سیاست الهیّه پس ما باید متابعت سیاست الهیّه نمائیم و اگر چنانچه شخصی علیل است باید معالجه کرد نه عداوت شخصی کودک است باید تربیت نمود تا ببلوغ رسد شخصی نادانست باید او را تعلیم نمود تا دانا گردد و از جملۀ تعالیم بهاءالله که باید دین و آئین مطابق علم و عقل نازنین باشد چه که اگر مخالف باشد تقلید است و شخص عاقل دانا را اذعان و تمکین حصول نیابد و از جملۀ تعالیم حضرت بهاءالله اینکه باید دین سبب اتّحاد و الفت بین بشر گردد و اگر چنانچه سبب بغض و عداوت باشد وجود آندین لزوم ندارد اگر طبیب نادان است و درمان مضرّ بمریضان البتّه بیدرمانی بهتر است از جملۀ تعالیم ترک تعصّبات دینی و ترک تعصّبات جنسی و ترک تعصّبات سیاسی حتّی ترک تعصّبات وطنی است جمیع روی زمین قطعهٴ واحده است زیرا هر شخصی از انسان در هر نقطه‌ئی از کرهٴ ارض زندگانی می‌تواند نمود از جملۀ تعالیم عدالت و حق است و از جملۀ تعالیم مساوات ذکور و اناث است و از جملۀ تعالیم ترویج علوم و فنون است و از جملۀ تعالیم صنعت عبارت از عبادتست از جملۀ تعالیم خدمت بعالم انسانی بدون استثناست از جملۀ تعالیم صلح عمومی است از جملۀ تعالیم ایجاد لسان عمومی از جملۀ تعالیم تعلیم جمیع ابناء انسانیست از جملۀ تعالیم نهایت صدق و اطاعت بحکومت عادله از جملۀ تعالیم مواسات بین بشر است و از این قبیل بزرگترین کلمه‌ئی که سبب انبساط روح است معنی انسلاخ از عالم طبیعت و دخول در عالم ملکوتست از الطاف الهی می‌طلبم که اوّل منادی آسمانی گردی و ترویج حقیقت نمائی و علیک البهآء الابهی

١ جولای ١٩٢١

حیفا

این سند از [کتابخانهٔ مراجع بهائی](http://www.bahai.org/fa/library) دانلود شده است. شما مجاز هستید از متن آن با توجّه به مقرّرات مندرج در سایت [www.bahai.org/fa/legal](http://www.bahai.org/fa/legal) استفاده نمائید.

آخرین ویراستاری: ۱۴ سپتامبر ۲۰۲۳، ساعت ۱:۰۰ بعد از ظهر